

# پیامبر

تألیف: جبران خلیل جبران

ترجمہ: مریم مفتاحی



انتشارات بہ تدبیر

سرشناسه: جبران، جبران خلیل، ۱۸۸۳ - ۱۹۳۱ م. Gibran, Khalil  
عنوان و نام پدیدآور: پیامبر / تألیف جبران خلیل جبران: ترجمه مریم مفتاحی.  
مشخصات نشر: تهران: به تدبیر، ۱۳۹۰.  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۸۳-۲۱-۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: فارسی - انگلیسی.

یادداشت: عنوان اصلی: The Prophet

یادداشت: این کتاب تحت عناوین «پیام‌آور» و «برانگیخته» در سالهای مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت منتشر شده است.  
عنوان دیگر: پیام‌آور -- برانگیخته.

موضوع: شعر مشهور آمریکایی -- قرن ۲۰ م -- ترجمه شده به فارسی

موضوع: شعر مشهور فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از انگلیسی

موضوع: عرفان در شعر

شناسه افزوده: مفتاحی، مریم، ۱۳۴۳ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۸۷۱۳۹۰ ب ۴ / PST۵۱۳/ رده‌بندی دیویی: ۸۱۱/۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۹۳۴۳



### انتشارات به تدبیر

تهران: صندوق پستی ۱۳۹۶-۱۴۵۱۵

تلفن: ۴۴۰۹۲۶۰۵، دورنگار: ۴۴۰۵۰۱۶۵

[www.behtadbir.com](http://www.behtadbir.com)

E-mail: [behtadbir@yahoo.com](mailto:behtadbir@yahoo.com)

### پیامبر

تألیف: جبران خلیل جبران

ترجمه: مریم مفتاحی

طرح جلد: آتلیه ۳×۴

ناشر: انتشارات به تدبیر

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

حروفچینی: شهر

لیتوگرافی: سی‌نور

چاپ: معراج

قیمت: (جلد سخت) ۵۵۰۰ تومان

(جلد شومیز) ۴۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۸۳-۲۱-۸ ISBN: 978\_964\_2583\_21\_8

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص انتشارات به تدبیر است

## فهرست

| صفحه | عنوان           |
|------|-----------------|
| ۱    | پیش‌گفتار مترجم |
| ۹    | آمدن کشتی       |
| ۱۵   | عشق             |
| ۱۸   | زناشویی         |
| ۲۰   | فرزندان         |
| ۲۲   | بخشش            |
| ۲۵   | خوردن و آشامیدن |
| ۲۷   | کار و تلاش      |
| ۳۰   | شادی و غم       |
| ۳۲   | خانه            |
| ۳۵   | پوشاک           |
| ۳۶   | داد و ستد       |
| ۳۸   | جنایت و مکافات  |
| ۴۲   | قوانین          |
| ۴۴   | آزادی           |
| ۴۷   | عقل و هیجان     |
| ۴۹   | رنج             |
| ۵۰   | خودشناسی        |

| صفحه | عنوان         |
|------|---------------|
| ۵۲   | آموزش و تعلیم |
| ۵۳   | دوستی         |
| ۵۵   | سخن گفتن      |
| ۵۷   | زمان          |
| ۵۹   | خوبی و بدی    |
| ۶۲   | نیایش         |
| ۶۴   | لذت و خوشی    |
| ۶۷   | زیبایی        |
| ۷۰   | دین           |
| ۷۲   | مرگ           |
| ۷۴   | وداع          |

## پیش‌گفتار مترجم

"من به مانند شما زنده هستم و در کنارتان ایستاده‌ام. چشمانتان را ببینید و به اطراف بنگرید، آنگاه مرا در برابر خود خواهید دید."

جبران خلیل جبران، نقاش، شاعر و فیلسوف عرب در ششم ژانویه ۱۸۸۳ میلادی در بصری<sup>۱</sup>، شهری کوهستانی در شمال لبنان، چشم به جهان گشود. او سرشت ذکاوت و دانشمندی را از مادر که زنی هنرمند و فاضل بود به ارث برد. خلیل جبران که با اثر پیامبر به شهرت جهانی دست یافت، در دوران کودکی به دلیل فقر خانوادگی و بی‌مسئولیتی پدرش نتوانست تحصیلات رسمی کند، ولی زبان انگلیسی، فرانسه و عربی را همزمان آموخت. استعداد نقاشی خیلی زود در او بروز کرد و از زمان کودکی شیفته لئوناردو داوینچی<sup>۲</sup> شد.

در دوازده سالگی، خانواده‌اش بدون همراهی پدر به آمریکا مهاجرت کرد و در جامعه لبنانی‌های مهاجر بوستون<sup>۳</sup> سکنا گزید. مادرش به کار دوزندگی پرداخت و برادر بزرگ‌ترش مغازه خواربارفروشی باز کرد. در آن دوران بود که شروع به طراحی و نقاشی کرد.

فقر و نداری و شرایط سخت خانوادگی به افکار او سمت و سودا و تجربیاتی که از همان کودکی با آن آشنا گردید، او را به اندیشه و تفکر واداشت. مادر پرمهر و باصلابت او نقش بزرگی در زندگی وی ایفا نمود. خلیل جبران همواره عشقی خاص نسبت به مادر در خود احساس می‌کرد، این عشق به قدری عمیق بود که دست‌مایه نخستین اثر او گشت. در بالهای شکسته که به زبان

1. Basharri

2. Leonardo da Vinci

3. Boston

عربی منتشر شد از عمیق‌ترین احترامات یک پسر نسبت به مادر سخن می‌گوید. مادر او با تمام ناملایماتی که در زندگی خود دید و سختیهای زیادی که به دوش کشید، نهایت سعی خود را کرد تا جمع خانواده را حفظ کند و عشق را زیربنای هویت فرزندان قرار دهد، و موفق هم شد. حتی در اوایل مهاجرت به آمریکا، به دستفروشی در خیابانهای شهر بوستون پرداخت تا بتواند نان فرزندان خود را به دست آورد، و با فداکاریهای او نیازهای عاطفی فرزندان برآورده می‌شد. درواقع نهال عشقی که در وجود خلیل جبران رشد کرد توسط مادرش کاشته و آبیاری شد.

خلیل جبران، این پسر منزوی و درون‌گرا، همیشه در افکار و احساسات خود غرق بود. کم سخن می‌گفت و بیشتر می‌اندیشید. نقاشیها و نوشته‌های او درواقع تراوش احساسات درونی‌اش هستند که عینیت مادی یافتند.

در سال ۱۸۹۸ به وطن بازگشت تا به مدرسه الحکمت برود. جبران خلیل جبران از همان ایام نوجوانی به شعر و نویسندگی روی آورد، و نخستین شعراو در شانزده سالگی در روزنامه الجلیل چاپ شد. در دوران مدرسه از طرف هم‌مدرسه‌ایهایش به عنوان «شاعر مدرسه» انتخاب گردید. در سالهایی که در لبنان به سربرد موفق شد ادبیات عرب و مکتب رومانتیسم فرانسه را مطالعه کند.

در سال ۱۹۰۲ بار دیگر به خانواده خود در آمریکا پیوست. خواهرش، سلطانه، قبل از بازگشت وی در سن چهارده سالگی از بیماری سل درگذشت، و مرگ برادرش بتروس<sup>۱</sup> اندکی بعد از خواهر به وقوع پیوست. مادرش نیز که به بیماری سرطان دچار بود چند هفته بعد از دنیا رفت و او را با جوان‌ترین خواهرش، ماریانه، تنها گذاشت.

تراژدی مرگ سه عضو خانواده، پسر جوان را به شدت به هم ریخت. اندکی پس از اینکه توانست خود را بیابد، مجبور شد مغازه خواربارفروشی را

---

1. Bohtros/Butrus

بفروشد. در آن ایام به طور جدی به نقاشی پرداخت و از آن طریق امرار معاش کرد. اولین تجربه او در زمینه نقاشی کار در روزنامه عربی المهاجر بود.

استعداد نقاشی خلیل جبران توسط فرد هلند دی<sup>۱</sup>، هنرمند عکاس، کشف شد. جبران با آشنایی با وی وارد مسیر هنر شد. او جبران را با اساطیر یونان، ادبیات جهان و نوشته‌های معاصر آشنا ساخت. در آن دوران او با طراحی جلد کتاب زندگی خود را می‌گذراند. سپس به طور جدی دست به قلم برد و مقالات زیادی نوشت که بیشتر در زمینه انتقاد از دولت و کلیسا بود. مقالات فلسفی و داستانهایی که به زبان عربی نوشت و نیز شعرها و نوشته‌های منظوم و منثور او که در سالهای بین ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۸ منتشر شد لحنی ستیزه‌جویانه و مواضعی ضد حکومتی داشت.

جبران، جامعه را گمراه و از هم فروپاشیده می‌دید و اعتقاد داشت جامعه افراد را ترغیب می‌کند و جلدان پاک خود را زیر پا بگذارند و از دنبال کردن اهدافی که نفع عامه در آن است دست بکشند.

خلیل جبران با ژوزفین پی‌بادی<sup>۲</sup>، دختر جوانی که روزنامه‌نگار بود، دوستی پیدا کرد و از طریق او با مری هسکل<sup>۳</sup>، زنی که نقش به‌سزایی در زندگی او ایفا کرد آشنا شد. مری، معلم و مدیر مدرسه بود و بعدها حمایتگر مالی و شریک وی گردید.

خلیل جبران دو سال نیز در فرانسه زندگی کرد. *الارواح المستعصره* را در طی اقامت در فرانسه نوشت ولی در بیروت به چاپ رساند. در فرانسه چندین نمایشگاه برپا کرد. در آنجا بود که با رودن<sup>۴</sup>، مجسمه‌ساز مشهور دیدار کرد و با آثار ویلیام بلیک<sup>۵</sup>، شاعر، نقاش و عارف انگلیسی (۱۸۲۷ - ۱۷۵۷ م) آشنا شد. بعد از آن بود که به طور جدی نوشتن را دنبال کرد و *المواکب* و *اشک و لبخند* را سرود. بعد از بازگشت مجدد به آمریکا به نیویورک نقل مکان کرد و تا پایان

1. Fred Holland Day

2. Josephine Peabody

3. Mary Haskell

4. Rodin

5. William Blake

عمر خود در آنجا زیست.

سبک نگارش جبران در نیویورک پختگی بیشتری یافت. از آن سبک، اغلب به عنوان ترکیبی از نظم و نثر یاد می‌کنند. خلیل جبران در سال ۱۹۱۳ داستان بالهای شکسته را نوشت. قصه آن براساس نخستین شکست عشقی خود او که در زمان تحصیل در بیروت رخ داد نگاشته شد. این اثر او توسط می زیاده، منتقد ادبی لبنانی ساکن قاهره، نقد شد. جبران، نامه‌نگاری تنگاتنگی با این زن پیدا کرد، به طوری که بعد از مدتی به شدت نسبت به او احساس دلبستگی و علاقه کرد. اگرچه آن دو هرگز یکدیگر را ملاقات نکردند ولی جبران او را عشق زندگی خود می‌دانست. دوستی آن دو نمونه کاملی از ارتباط روحی دو انسان است. آنها با مرگ جبران همچنان دوستی خود را از طریق نامه‌نگاری حفظ کردند.

علیرغم اینکه خلیل جبران بیشتر عمر خود را در آمریکا گذراند ولی هرگز عشق به وطنش لبنان در او از دست نرفت. آثار او آمیزه‌ای است از اسطوره‌شناسی غرب و عرفان لبنان و مملو است از حکمت وسیع مشرق زمین. او فرهنگ و فلسفه شرق و غرب را به هم پیوند می‌زند، ولی با این حال فلسفه‌اش، ذهنیات و احساساتش همچنان عرب باقی می‌ماند. تمامی آثارش دارای حسی قوی از کیفیات بی‌همتا و تداعی دور اوردیسترس است.

آشنایی با مری هسکل نقطه عطفی در زندگی جبران به حساب می‌آید. این او بود که جبران را تحت حمایت مالی خود قرار داد و دست‌نوشته‌های انگلیسی او را ویرایش کرد. ارتباط درازمدت و دوستی نزدیک آنها در واقع تأثیر زیادی بر زندگی هر دو بر جای نهاد. آن دو الهام‌بخش یکدیگر بودند.

با تشویق مری، او شروع به نوشتن آثار خود به زبان انگلیسی کرد. در سال ۱۹۱۵ شعر دنیای کامل را سرود و در سال ۱۹۱۸ اولین اثرش را به زبان انگلیسی با عنوان دیوانه منتشر کرد. پیامبر سومین اثر اوست که به زبان انگلیسی نوشته شد.



باربارا یانگ<sup>۱</sup> در کتاب *مردی از لبنان* خود بیان می‌کند جبران، طرح اولیه پیامبر را در سن پانزده سالگی در لبنان نوشت. این ادعا درست باشد یا خیر، در هر حال تجدید نظر و مرور پیامبر سه سال طول کشید، یعنی در سالهای بین ۱۹۲۰ الی ۱۹۲۳. طی آن دوران جبران توانست به عنوان نقاش و نویسنده شهرتی برای خود کسب نماید. در اولین چاپ پیامبر که شامل دوازده تصویر از نویسنده بود در عرض یک ماه دوازده هزار نسخه به فروش رسید.

کارهای ادبی خلیل جبران به سه دوره تقسیم می‌شود. در دوره اول، او که همچنان یک لبنانی صرف است، از دردهای اجتماعی مردم لبنان سخن می‌گوید و داستانهایش بیشتر جنبه سیاسی و اجتماعی دارد. در دوره دوم، عقاید او به نیچه، فیلسوف و شاعر آلمانی (۱۹۰۰ - ۱۸۴۴ م)، نزدیک می‌شود. دوره سوم که با نگارش پیامبر شروع می‌شود زمانی است که او فلسفه گرایی را کنار گذاشته و به آرامش می‌رسد. خلیل جبران خود از اهمیت ویژه پیامبر آگاه بود و آن را بهترین اثر خود می‌دانست و می‌گفت: اثری است که روح مرا آرام ساخته است.

مری هسکل که خیلی زود به ارزش اثر پیامبر پی برده بود به او نوشت: "این اثر به عنوان گنجینه در ادبیات انگلیسی باقی خواهد ماند... نسل به نسل خواهد گشت و نسلها علائق خود را در آن خواهند یافت. انسانها هر چه پخته‌تر شوند و به بلوغ فکری بیشتری برسند آن را با عشق بیشتری درک خواهند کرد." پیش‌بینی مری هسکل درست از آب درآمد و پیامبر همچنان نسلها را پشت سر می‌گذارد.

پیامبر منتخب و گلچینی از رهنمودهای روشن اندیشه است و هر انسانی می‌تواند درکی از آن برای خود داشته باشد. شاهکار جبران، از هنگام انتشار در سال ۱۹۲۳ به بیش از چهل زبان ترجمه شده و بیش از یکصد میلیون نسخه از آن در سراسر جهان به فروش رفته است و همچنان از پرفروش‌ترین کتابهای

---

1. Barbara Young

دنیاست. درباره جبران و پیامبر او گفته شده است:

”چنین کتابها و چنین مردانی تضمینی برای ما هستند که انسانیت با وجود اتلاف هولناک منابع و انرژیهای بی حسابش هنوز به ورطه نابودی نیفتاده است.“<sup>۱</sup> هنگامی که المصطفی، غریبه شهر اورفالیس<sup>۱</sup>، بعد از دوازده سال اقامت در آنجا، قصد عزیمت می کند، مردم شهر او را احاطه کرده و از وی می خواهند پندهایی به آنها بدهد. او در باب بیست و شش موضوع سخنرانی مختصری می کند. بیانانش، به دلیل سادگی و شکوهش و به دلیل تصورات و تعبیرهای تاباک و ماهرانه ای که خلق می کند و نیز برای آهنگ زیبا و جذابش، توجه همگان را به خود جلب می نماید.

سخنان او که یادآور عشق و تفاهم است انسانها را به همدلی دعوت می کند و اعتقاد قلبی جبران را در مورد تناسخ و همبستگی ذات همه موجودات نشان می دهد. از آنجایی که وجه تشابهاتی میان آن دو وجود دارد، برخی از جمله «مری هسکل» اعتقاد دارند المصطفی، خود جبران است. المصطفی که سالها از سرزمین مادری خود دور بود، در شهر اورفالیس یک غریبه بود، درست مانند خود خلیل جبران که در آمریکا یک غریبه بود.

هیجانان و احساسات درهم آمیخته و دلستگی المصطفی به زادگاه و نیز سرزمینی که دوازده سال در آن زیست، در واقع احساسات درونی جبران را منعکس کرده و دلستگی او را به لبنان و از طرفی دیگر به آمریکا نشان می دهد. عشق و محبت دوستان جبران در دلستگی و محبت مردم اورفالیس به المصطفی متجلی می گردد. جبران خود نیز دوستدارانش را در آمریکا تحسین می کند، درست مانند المصطفی که مردم اورفالیس را نیک می داند.

المیتراي پیشگو که از المصطفی می خواهد برای مردم سخن بگوید کسی است که از همان نخست به او ایمان آورد. اعتقاد بر آن است که این زن تصویری مستور از مری هسکل است.

---

1. Orphalese

با این حال جبران، با وسواس خاصی، دقت داشت خود را از مقام نبوت دور سازد. باربارا یانگ نویسنده کتاب مردی از لبنان نقل قولی از او می‌کند:

"هنگامی که در حال نوشتن پیامبر بودم، پیامبر هم در حال نوشتن من بود." این کلام او بیان‌کننده درجاتی از الهامات الهی اوست. ولی از طرفی نیز نشان می‌دهد آفرینش و خلق این اثر ادبی بر او تأثیر تطهیرکننده‌ای داشته است. چنین حس تطهیرشدگی را نویسندگان دیگر نیز به نوبه خود تجربه کرده‌اند. او در نامه‌ای به مری هسکل می‌نویسد:

"این شعر حال مرا بهتر کرده است."

این کلام او به وضوح تجربه دیگری از حس تطهیرشدگی را در او عیان می‌سازد. ♦

جبران به بسیاری از شاعران رومانتیک و نقاشان سمبولیک علاقه داشت. ولی شاید بتوان گفت ویلیام بلیک بیشتر از بقیه بر نقاشی و نوشته‌های او تأثیر گذاشت. جبران او را یک قهرمان می‌دید و درباره او می‌گفت:

"انسانی الهی است. نقاشیهای او از دیگر آثار، عمیق‌تر و پرمحتواتر است. بیش از آنکه در نقاشی و شعرهایش تجلی یافته، الهی است."

جبران خلیل در سال ۱۹۳۱، در سن چهل و هشت سالگی، به علت بیماری سیروز کبدی در نیویورک درگذشت و در وطنش لبنان به خاک سپرده شد. امروز اندیشه‌های خلیل جبران در انسانهای زیادی زنده است. مردم لبنان به داشتن چنین متفکری به خود می‌بالند. مقام و منزلت او به عنوان یک اندیشمند به قدری است که دانشگاه مریلند، کرسی خلیل جبران را برقرار ساخته است. خود جبران بهتر از همه شرح می‌دهد که همچنان به عنوان وزنه‌ای ادبی و فرهنگی باقی می‌ماند. روی سنگ مزارش در لبنان این سخن او حک شده است:

"من به مانند شما زنده هستم و در کنارتان ایستاده‌ام. چشمانتان را ببندید و به اطراف بنگرید، آنگاه مرا در برابر خود خواهید دید."